

ضرورت آموزش حقوق به کودکان تجارب چند مدرسه در جهان

■ مهناز کاظمی، وکیل دادگستری، کارشناس ارشد حقوق بین الملل

یک باور اساسی در آموزش حقوق به کودکان این است که وقتی کودکان با حقوق اولیه و انسانی خود آشنا می‌شوند این یادگیری به عنوان پایه مهمی برای درک و حمایت گسترده آن‌ها از حقوق بشر در آینده عمل می‌کند. مهم‌ترین سند بین‌المللی در خصوص حقوق کودکان «کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک» است این کنوانسیون چشم اندازی از کودک به عنوان یک فرد و عضوی از یک جامعه که دارای حقوق و مسئولیت‌های متناسب با سن و مرحله رشد اوست، ارائه می‌دهد.

کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک از کجا آمده است؟

جنبش نوین حمایت از حقوق کودکان در اصل مدیون زنی انگلیسی به نام «اگلانتین جب» است که پس از پایان جنگ جهانی اول به علت وضعیت فاجعه‌بار کودکان در کشورهای شکست خورده بنیاد نجات کودکان را در انگلستان پایه‌گذاری کرد.

وقتی جنگ جهانی اول به پایان خود نزدیک می‌شد و اقتصاد آلمان و اتریش - مجارستان در شرف فروپاشی بود، اگلانتین از طریق مجلاتی که از این کشورها به دستش می‌رسید متوجه وضع تأسف‌بار کودکان در این کشورها شد.

محاصره متفقین که حتی در زمان امضای آتش‌بس هم ادامه داشت باعث شد کودکان در این کشورها در وضعیت نابسامانی قرار بگیرند و این امر او را بر آن داشت تا به عضویت «شورای قحطی» که هدفش تحت فشار گذاشتن دولت انگلیس برای پایان دادن به محاصره بود، بیوندد. به زودی تمرکز این سازمان بر کمک‌رسانی قرار گرفت و شورا، صندوقی برای جمع‌آوری پول برای کودکان آلمانی و اتریشی تأسیس کرد.

این اصلاح طلب اجتماعی سپس منشور حقوق کودکان را تهیه و به سازمان جهانی حفظ صلح در ژنو فرستاد. او نوشته خود را این‌گونه آغاز کرده بود: «من بر این باورم که ما باید خواهان رعایت حقوق خاص کودکان باشیم و برای به رسمیت شناختن فراگیر این حقوق تلاش کنیم.»

این منشور که بیش از هر چیزی بر تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره تأکید داشت در سال ۱۹۲۴ یعنی شش سال پس از پایان جنگ جهانی اول در ژنو تنظیم و در ۲۶ نوامبر همان سال با نام «منشور رفاه کودک» به تأیید مجمع عمومی جامعه ملل رسید و اولین سندی بود که توسط یک نهاد بین‌المللی تهیه و توسط چند کشور تصویب شد. این بیانیه که امروزه با عنوان «بیانیه ژنو حقوق کودک» نامیده می‌شود دارای پنج ماده بود.

در سال ۱۹۴۶ یعنی یک سال پس از پایان جنگ جهانی دوم با منحل شدن سازمان جهانی حفظ صلح و تشکیل سازمان ملل متحد این بیانیه هم بی‌اعتبار گردید اما در عوض صندوق بین‌المللی کودکان یونیسف در سازمان ملل با هدف توجه ویژه به حقوق کودکان تأسیس شد. بعد از تشکیل یونیسف، در سال‌های ۱۹۵۹، ۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳ اعلامیه‌هایی برای حقوق کودکان به تصویب رسیدند. اما کنوانسیون حقوق کودک امروزی توسط پروفیسور

«آدام لوباتکا» از کشور لهستان مطرح شد. او به مناسبت سال بین‌المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش‌نویس این کنوانسیون کرد که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آراء تصویب شد و از دوم سپتامبر ۱۹۹۰ یک ماه پس از آن که بیست کشور آن را تصویب کردند و به آن ملحق شدند، لازم‌الاجرا شد. در حال حاضر تمامی کشورهای عضو سازمان ملل به غیر از دو کشور ایالات متحده آمریکا و سومالی این سند بین‌المللی را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور جهان لازم‌الاجراست.

بررسی اجمالی کنوانسیون حقوق کودک

این کنوانسیون شامل یک مقدمه و پنجاه و چهار ماده است همچنین دو پروتکل اختیاری حدود یازده سال پس از تصویب اولیه این کنوانسیون به آن الحاق شده است. کنوانسیون حقوق کودک به طور کلی بر اساس چهار اصل مهم بنا شده است:

2. Adam Lubutka

1. Eglantyne Jebb



سن آموزش حقوق به کودکان

از زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ تلاش‌های مختلفی برای ارائه آموزش حقوق به کودکان در مدارس انجام شده است. این ابتکارات در سه سطح پیش دبستان، دبستان و دبیرستان انجام شده است که به چند نمونه از آن‌ها در کشورهای مختلف نگاهی می‌اندازیم.

بلژیک:

یکی از این تلاش‌های اولیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ در یک مدرسه ابتدایی در بلژیک صورت گرفت. این برنامه شامل کودکان ۳ تا ۱۲ ساله با هدف آموزش حقوق، مطابق با کنوانسیون و با استفاده از روش آموزش دموکراتیک و اطمینان از مشارکت کودکان در فرآیند یادگیری بود. کودکان از طریق روش‌های مختلف از جمله هنر و شعر در مورد حقوق خود مطابق با مفاد کنوانسیون حقوق کودک آموزش داده شدند. فعالیت‌های هنری شامل کلاژهای روزنامه بود که نمونه‌هایی از نقض حقوق را نشان می‌داد و برای کودکان کوچک‌تر آشنایی با حق غذا با ساخت یک عروسک بسیار بزرگ با استفاده از تصاویر غذا انجام شد، کودکان بزرگ در مورد حق تحصیل و خانواده بحث کردند.

کانادا:

ابتکاراتی نیز در زمینه آموزش حقوق به کودکان در پیش دبستانی در کانادا رخ داد. به عنوان مثال مربیان کانادایی امیدوار بودند بتوانند با استفاده از کتاب‌های رنگ آمیزی به کودکان ۳ تا ۵ ساله حقوقشان را آموزش دهند و تمرکز آن‌ها را از خواسته‌های فردی به نیازهای جمعی تغییر دهند و نوع دوستی و همدلی را در میان آن‌ها افزایش دهند. نمونه دیگر این ابتکارات در کلاس‌های درس «کیپ برتون» کانادا در اواخر دهه ۱۹۹۰ بود که مواد درسی بر اساس کنوانسیون و با همکاری کودکان و معلمان در سه سطح پایه تدوین شد.

سطح یک (کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله): بر مسائلی مانند زندگی سالم، ایمنی، خانواده، مصرف مواد مخدر و تصمیم‌گیری تمرکز داشت به عنوان مثال دانش‌آموزان برای آگاهی از حق حفاظت از خود در برابر مواد مخدر به بررسی کودکان نقش آفرین و فروشنده‌گان مواد

• حق بر حیات، بقا و رشد (ماده ۶)

• عدم تبعیض (ماده ۲)

• آزادی بیان و عقاید (ماده ۱۲)

• در نظر گرفتن مصالح و منافع عالیة کودکان در هنگام تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها (ماده ۳)

دو پروتکل اختیاری کنوانسیون یکی درباره منع خرید و فروش، سوء استفاده از کودکان است که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می‌کند و دیگری پروتکل الحاقی درباره منع به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه است که خدمت اجباری را برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع می‌کند و اعضا متعهد می‌شوند از هر اقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه‌های مسلح استفاده کنند.

ضرورت آموزش حقوق به کودکان

آموزش حقوق به کودکان از دو جهت دارای اهمیت است:

• **اول-** ملحق شدن به کنوانسیون حقوق کودک پیامدهای مهمی در زمینه آموزش کودکان دارد، زیرا با تصویب این کنوانسیون کشورهای خود را به این اصل متعهد می‌کنند که کودکان و نوجوانان از حقوق بشر عمومی مشابه با بزرگسالان برخوردارند و همچنین از حقوق خاصی برخوردارند که بر طرف‌کننده نیازهای ویژه آن‌هاست و مقامات دولتی موظف به تأمین این حقوق هستند.

بر اساس این کنوانسیون کشورهای عضو موظفند سیاست‌ها و روش‌های خود را اگر نه فوراً، ولی با گذشت زمان منطبق با مفاد این کنوانسیون قرار دهند و مواد ۲۹ و ۴۲ آن، دولت‌ها را ملزم می‌کند که به کودکان درباره حقوقشان از طریق گنجاندن این حقوق در برنامه‌های درسی آموزش دهند و همچنین چهارچوبی برای اداره مدرسه تعیین کنند که به حقوق آن‌ها احترام بگذارند.

پس دولت‌ها با پیوستن به این کنوانسیون دارای یک تعهد بین‌المللی در آموزش حقوق به کودکان می‌شوند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد که مسئول نظارت بر اجرای کنوانسیون است بارها از کشورها خواسته است که حقوق کودکان را در برنامه درسی مدارس گنجانده و اطمینان حاصل کنند که کودکان حقوق خود را می‌شناسند و درک می‌کنند.

• **دوم-** آموزش حقوق به کودکان در مدارس فراتر از انجام یک تعهد قانونی و اجرای مفاد کنوانسیون از این جهت نیز دارای ارزش است که می‌توان انتظار داشت آموزش حقوق به کودکان از سه جهت بر فراگیران تأثیر بگذارد:

• **۱-** افزایش اطلاعات و دانش آن‌ها در مورد ماهیت حقوق و حقوق خاصی که باید از آن برخوردار باشند. در این صورت می‌توان انتظار داشت که کودکان درک دقیق‌تری از حقوق خود داشته باشند.

• **۲-** تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و افزایش رفتارهای سازگار با حقوق و در این صورت می‌توان انتظار داشت که کودکان به حقوق دیگران احترام بیش‌تری بگذارند.

• **۳-** توانمندسازی کودکان برای اقدام در حمایت از حقوق دیگران که برخی از محققان از آن به عنوان «مدل تحول» یاد می‌کنند. کودکان پس از آموزش حقوق در پیش‌گیری یا جبران نقض حقوق بیش‌تر موضع می‌گیرند.

تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که در مقایسه با کودکانی که آموزش حقوق کودک ندیده‌اند، کودکانی که آموزش دیده‌اند درک درست و بزرگسالانه‌تری از حقوق دارند و می‌دانند که حقوق و مسئولیت‌ها با یکدیگر ارتباط دارند و رفتارهای مسئولانه اجتماعی در حمایت از حقوق دیگران نشان می‌دهند. یک نمونه آن حمایت از یک قربانی قلدری و یا ایستادن در مقابل یک قلدر در زمین بازی است.



مخدر پرداختند و راه‌های مقابله با فشار برای مصرف یا فروش مواد مخدر را بررسی کردند.

سطح دو (کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله): برنامه درسی شامل واحدهای تربیت جنسی، عدالت، کودک‌آزاری و استثمار بود، به عنوان مثال دانش‌آموزان متن آهنگ‌های رایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند تا در مورد چگونگی بازنمایی حقوق جنسی در موسیقی صحبت کنند و کارتون‌هایی را که شامل موارد ضد آزادی بیان و حقوق برابر و یا تبعیض بود بررسی می‌کردند.

سطح سه (کودکان ۱۷ تا ۱۹ ساله): حوزه دانش حقوق کودکان را در مسائل جهانی گسترش می‌داد این مسائل شامل کودکان آسیب‌دیده از جنگ و کار کودکان بود در این سطح فعالیت‌ها شامل برگزاری یک کنفرانس ساختگی سازمان ملل متحد در مورد کودکان آسیب‌دیده از جنگ بود که گروه‌هایی از بچه‌ها مسئولیت نمایندگی بازیکنان در کنفرانس را بر عهده داشتند.

گزارش‌ها در مورد ارزیابی پروژه آموزش حقوق به کودکان نشان می‌داد که در کودکان ۳ تا ۱۲

ساله که تمرکز اصلی بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان بود افزایش درک

اجتماعی، رفتارهای محترمانه، توجه به دیگران و فعالیت‌های

اجتماعی کلیدی‌ترین تغییرات مشاهده شده بودند. به عنوان مثال

کودکان به عدالت اجتماعی و مسائل

مربوط به حقوق مانند صلح،

جنگ، بی‌عدالتی و گرسنگی علاقه

بیش‌تری نشان دادند و همچنین

تمایل بیشتری برای بحث در مورد

حقوق کودکان دارای معلولیت و

اقلیت‌های قومی از خود نشان دادند.

در ارزیابی اثرات آموزش حقوق به کودکان در

مدارس مقاطع بالاتر هم نتایج مشابهی یافت شد.

ارزیابی‌های انجام شده روی دانش‌آموزان کلاس‌های ششم تا

هشتم نشان داد که تعامل و رفتار و جو کلاس‌ها بهبود یافته و تغییراتی در درک کودکان

از حقوق، پذیرش کودکان اقلیت و میزان حمایت آن‌ها از همسالان‌شان مشاهده شد.

گزارش‌های معلمان حاکی از بهبود جو کلاس و افزایش اعتماد به نفس کودکان بود. در یکی از مدارس وقتی کودکان متوجه شدند که همه

بچه‌ها در منطقه‌ای که زندگی می‌کنند از غذای مغذی کافی برخوردار نیستند با همکاری جامعه محلی برنامه صبحانه برای همه

را آغاز کردند. داده‌های روایی معلمان از برنامه درسی پایه دوازدهم، میزان

مشارکت دانش‌آموزان را در فعالیت‌ها تشریح می‌کرد. همچنین در افزایش درک دانش‌آموزان از مشکلات جهانی و پیچیدگی‌ها و اهمیت رعایت حقوق بشر پیشرفت‌هایی مشاهده می‌شد. بر اساس یک نظرسنجی مشخص شد دانش‌آموزانی که در پروژه حقوق شرکت کرده بودند سه برابر بیش‌تر از همسالان‌شان به مسئله کمک‌های بشردوستانه برای کودکان در شرایط سخت به عنوان یک حق اساسی انسانی معتقد بودند.

همیشایر انگستان:

گزارشات در مدارس کیپ برتون الهام‌بخش یک برنامه ابتکاری در همیشایر انگستان بود که «حقوق، مسئولیت، احترام» یا به اختصار «R.R.R.» نامیده می‌شد. این برنامه یکی از شناخته‌شده‌ترین و امیدوارکننده‌ترین مدل‌های آموزش حقوق به کودکان تا به امروز است این برنامه ابتدا در مهدها و مدارس ابتدایی اجرا و بعد با گذشت زمان در مقاطع بالاتر مدارس نیز به کار گرفته شد تا سال ۲۰۱۲ اکثر مدارس همیشایر در برنامه «R.R.R.» شرکت کردند.

جامع‌ترین داده‌های ارزیابی مربوط به برنامه ابتکاری «R.R.R.» است که شامل کودکان ۴ تا ۱۴ ساله می‌شود. در این گزارش افزایش درک از حقوق و ارتباط آن با مسئولیت، افزایش اعتماد به نفس، مشارکت بیش‌تر در فعالیت‌های مدرسه، رفتارهای محترمانه‌تر و افزایش حساسیت کودکان به نیازهای سایر بچه‌ها گزارش شده است. رفتارهای مرتبط با قلدری به طرز چشمگیری کاهش یافته و اختلافات با استفاده از گفتمان حقوق حل شده است، نه از طریق خشونت فیزیکی و کلامی.

تدریس در مدارس «R.R.R.» منجر به تغییر در معلمان هم شده بود. مدیران مدارس به تغییرات قابل توجهی در معلمان از آموزش دموکراتیک و مدیریت مثبت کلاس تا کاهش برخورد با دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند. معلمان به کودکان گوش می‌دادند و به نظرات آن‌ها توجه می‌کردند.

نتیجه:

داده‌های ارزیابی محققان به طور کلی نشان می‌دهد که پروژه آموزش حقوق به کودکان حتی کودکان پیش‌دبستان بسیار موفق بوده است. آن‌ها دریافته‌اند که آموزش حقوق به کودکان حتی کودکان خردسال به شیوه‌ای متناسب با سن‌شان، محیط یادگیری را دگرگون می‌کند و از آن‌جا که قوانین کلاس با حقوق جایگزین می‌شوند نیاز به کنترل توسط بزرگسالان کمتر و گفت‌وگوهای گروهی از صحبت‌های آشفته به تبادل ایده‌های محترمانه تغییر می‌کند و رفتار کودکان نسبت به یکدیگر به طور چشمگیری تغییر می‌کند.

تجربیات به دست آمده از تعاملات کودکان نشان‌دهنده درک جهان‌شمول از حقوق و افزایش اهمیت حفاظت از حقوق دیگران است و حتی در این سن بسیار کم، گفتمان حقوق جایگزین تقابل شده است. به عنوان مثال در بسیاری موارد شما به حق بازی من لطمه می‌زنید به یک راه حل مؤثر تبدیل شده که جایگزین اشک و دعوا گردیده است و به طور کلی از نظر این محققان آموزش حقوق به کودکان شناخت آن‌ها از رابطه بین حقوق و مسئولیت‌ها را افزایش می‌دهد و تمرکز آن‌ها از «من» به «ما» معطوف می‌گردد. ما می‌توانیم با استفاده از تجارب سایر کشورها و مناسب‌سازی آن با فرهنگ ملی و دینی و بومی سازی آن‌ها این نوع آموزش‌ها را داشته باشیم. ■